



روز ۸ مارس روز مبارزه
برای آزادی زن

زنان فعال و مبارز!

جنبش آزادی زن در ایران نه تنها پیشتاز مبارزه آزادیخواهانه علیه رژیم اسلامی، بلکه همچنین دشمن سرسخت اسلام سیاسی و امید آزادی زن در کل منطقه اسلام زده است. زن ستیزی هویت ذاتی این جنبش سیاه و ارتجاعی است و لذا آزادی زنان در گرو خلاصی کامل از این

نظام است. تا زمانی که این نظام بر جامعه حکم میراند، زنان نخواهند توانست طعم آزادی و برابری را بچشند. باید در مقابل هر گونه تلاشی برای تنگ کردن افق آزادی جنبش مان، کوچک کردن اهداف و تقلیل خواست هایمان هشیار باشیم. این نظام قابل بزرگ کردن نیست، اصلاح بردار نیست. رژیم اسلامی بدون زن ستیزی، بدون آپارتاید جنسی و بدون حجاب اسلامی پوچ و بی معنا است. باید صفوف خود را در مقابل تلاش های کسانی که میکوشند جنبش ما را به بیراهه بکشانند و با توهم پراکنی در صفوف ما برای این نظام سیاه عمر بیشتر بخرند محکم کنیم. باید در مقابل این تمهیدات، متحد و یک صدا به این نظام زن ستیز، به بیحقوقی زن و به آپارتاید جنسی "نه" بگوییم.

۸ مارس برای جنبش آزادی زن یک روز مهم است. باید بکوشیم قدرت جمعی جنبش مان را در این روز به نمایش درآوریم. باید بتوانیم دیوارهای آپارتاید جنسی را در این روز در هم شکنیم. در گرامیداشت این روز تجمعات خود را با شعار ستم بر زن موقوف، سرکوب زنان ممنوع، زنده باد آزادی زن، نه به آپارتاید جنسی و نه به حجاب سازمان دهیم. در این روز یک بار دیگر به ادامه جنبش مان تا رسیدن به آزادی و برابری اعلام تعهد کنیم. رژیم اسلامی زیر فشار مبارزات ما چند قدم به عقب برداشته است. بکوشیم با تجمعات خود در ۸ مارس این عقب نشینی را تثبیت کنیم. جنبش بین المللی آزادیخواهی و برابری طلبی با علاقه و احترام جنبش آزادی زن در ایران را تعقیب میکند. این جنبش را به پشتیبانی و حمایت فعال دعوت کنیم. سازمان آزادی زن نماینده قاطع و رادیکال جنبش آزادی زن است. سازمان آزادی زن صدای اعتراض و آزادیخواهی زنان ایران را در این روز به گوش جهانیان خواهد رساند. به سازمان آزادی زن بپیوندید!

آذر ماجدی ۲۸ فوریه ۲۰۰۹

ستم بر زن موقوف! سرکوب زنان ممنوع! زنده باد آزادی زن!

پیام سازمان آزادی زن بمناسبت ۸ مارس

۸ مارس را به یک روز
اعتراض گسترده علیه زن
ستیزی، آپارتاید جنسی و
بیحقوقی زن بدل کنیم!



مردم!

در آستانه ۸ مارس، روز جهانی زن، قرار داریم. اکنون یک قرن است که آزادیخواهان، برابری طلبان و جنبش سوسیالیستی جهان روز ۸ مارس علیه ستمکشی زن به اعتراض بلند میشوند. ۸ مارس در تاریخ بعنوان سمبل آزادیخواهی و برابری طلبی به ثبت رسیده است. ۸ مارس روزی است که نظام مردسالار و زن ستیز به مصاف طلبیده میشود. این یک روز مهم جهانی است.

سی سال پیش زنان در ایران در این روز به یک اعتراض وسیع علیه اولین تعرضات زن ستیزانه رژیم اسلامی دست زدند. سی سال پیش زنان موفق شدند این تعرضات رژیم را عقب بنشانند. این پیروزی در تاریخ جهانی مبارزات جنبش آزادی زن بعنوان یک واقعه مهم به ثبت رسیده است. زنان در ایران در ۸ مارس (۱۷ اسفند) ۱۳۵۷ اولین اعتراض وسیع علیه رژیم اسلامی را سازمان دادند. به این ترتیب جنبش آزادی زن بعنوان پیشتاز مبارزه علیه رژیم اسلامی و اسلام سیاسی پا به عرصه گذاشت. طی سی سال اخیر این جنبش از پای ننشسته است و با جسارت قابل ستایشی در مقابل یکی از خشن ترین رژیم های تاریخ مقاومت کرده است.

۸ مارس چشمان تمام دنیا به سوی ایران میچرخد. گویی آزادیخواهان در سراسر جهان با مبارزه و مقاومت زنان در ایران قوت قلب میگیرند. از سوی دیگر سردمداران جنبش اسلام سیاسی با نگرانی به استقبال ۸ مارس میروند. جنبش آزادی زن در ایران و استقامت و گسترش آن محک آزادیخواهی و برابری طلبی در مقابل یک نظام سیاه و سرکوبگر است. اکنون حتی به سخره کشیدن حجاب توسط دختران جوان تحسین جهانیان را برانگیخته است. ۸ مارس باید بکوشیم این مقاومت جسورانه را به شکل جمعی به نمایش درآوریم. باید بکوشیم ۸ مارس را به یک روز اعتراض گسترده علیه زن ستیزی، آپارتاید جنسی و بیحقوقی زن بدل کنیم.

جنبش آزادی زن پیشتاز آزادیخواهی و برابری طلبی!

آذر ماجدی

صفحه ۲

سکولاریسم شرط لازم دموکراسی هست ولی کافی نیست

مصاحبه با الهه بقراط

صفحه ۳

ستم بر زن موقوف!

جنبش آزادی زن پشتتاز آزادیخواهی و برابری طلبی!

آذر ماجدی

امر برابری زن و مرد امروز یکی از حاد ترین مسائل جامعه بین المللی است. نابرابری زن و مرد یکی از قدیمی ترین و جان سخت ترین تبعیضات مبتلابه جامعه بشری است. جنبش دفاع از حقوق زن بیش از دو قرن است که برای رفع تبعیض از زنان مبارزه میکند. لیکن این جنبش صرفا موفق شده است در بخش کوچکی از جهان تبعیضات فاحش علیه زنان را از میان ببرد. هنوز در هیچ گوشه جهان زنان نتوانسته اند به برابری کامل و رهایی دست یابند. اما اگر گوشه کوچکی از جهان به دستاوردهای قابل ملاحظه ای دست یافته است، در بخش اعظم جهان میلیونها زن در اسارت و بیحقوقی کامل بسر میبرند. ابتدایی ترین حقوق نیز از این زنان سلب شده است. زن ستیزی و ستمکشی زن یک وجه شرمناک جامعه معاصر است.

چرا علیرغم نزدیک به دو قرن مبارزه علیه فرودستی زنان، علیه تبعیض جنسی و برای برابری زن و مرد، زنان هنوز در قید تبعیض و نابرابری و در اسارت مردسالاری قرار دارند؟ این سوالی است که در ذهن هر انسان آزادیخواه و برابری طلبی نقش می بندد. چه منفعت پایداری فرودستی زنان را لازم و ضروری میسازد. ممکن است استدلال شود که ستمکشی زن به قدمت جامعه بشری است و لذا ذاتی بشر. اما آیا این پاسخی قانع کننده به جان سختی این ستمکشی است؟ بسیاری نهادهای کهن تبعیض، نابرابری و اسارت در طول تاریخ در نتیجه توسعه جوامع و مبارزات جنبش های اجتماعی زائل گشته اند. در طول دو قرن اخیر، با عروج نظام سرمایه داری، بسیاری از نهادهای کهن دست و پاگیر یا غیر ضروری سریعاً در مقابل تعرضات اجتماعی، سیاسی یا

اقتصادی رنگ باخته اند. ستمکشی زن اما در زمره استثناها است. دو قرن مبارزه وسیع، مبارزاتی که بعضاً بسیار گسترده و رادیکال بوده است، موفق به امحای این نهاد ارتجاعی تبعیض نشده است. چرا؟

برای پاسخ به این سوال باید به عامل اصلی یعنی مبانی مادی ستمکشی زن دست برد. پاسخ در نیاز نظام سرمایه داری به این نهاد تبعیض و بردگی است. فرودستی زن مهمترین عامل تفرقه در جامعه بشری است. قرار دادن نیمی از جامعه در مقابل نیمه دیگر، زنان و مردان در مقابل یکدیگر، آسان ترین و قابل توجیه ترین ابزار سرمایه داری برای تشدید استثمار و ممانعت از اتحاد طبقاتی طبقه کارگر است. ایدئولوژی های متفاوتی برای توجیه این فرودستی، ازلی و ابدی جلوه دادن آن، طبیعی قلمداد کردن آن، پذیرش آن توسط نه تنها مردان، که ظاهراً از تداوم آن بهره مند میشوند، بلکه همچنین زنان، که قربانیان آن هستند، شکل گرفته است. مذهب قدیمی ترین و

است. این جنبش موفق شده است که در پاره ای از جهان دستاورد های با ارزشی در عرصه حقوق زن کسب کند. مبارزه برای حقوق برابر و آزادی زن اکنون به یک وجه پایدار جامعه معاصر بدل شده است. در بخشی از جهان که زیر سلطه اسلام بسر میبرد، وضعیت زنان بسیار وخیم و بعضاً برده وار است. اسلام سیاسی بعنوان یک جنبش ارتجاعی و زن ستیز هویت و یک رکن مهم ایدئولوژی خود را فرودستی زن قرار داده و حجاب را به بیرق این جنبش بدل کرده است. آپارتاید جنسی بعنوان یک رکن اساسی این جوامع بر زن و مرد تحمیل میشود. جنبش آزادی زن علیه اسلام سیاسی اکنون در ایران به یک جنبش قوی و گسترده بدل شده است. این جنبش میتواند نقشی بسیار موثر در مبارزه علیه اسلام سیاسی، برای سکولاریزه کردن جامعه و مذهب زدایی ایفاء کند. تاثیر جنبش آزادی زن در ایران به چهار چوب مرزهای ایران محدود نمیشود. جنبش آزادی زن در ایران نقش مهمی در رهایی زنان جوامع اسلام زده از زن ستیزی



خشن و فرودستی برده وار زن در این جوامع دارد. این رسالت را باید درک کرد و مبارزه برای آزادی زن، برابری زن و مرد و عقب نشاندن اسلام سیاسی را با قاطعیت و جدیت به پیش برد.

۸ مارس یک سنت پایدار در جامعه ایران است. تلاش های رژیم اسلامی برای مقابله با ۸ مارس و جانشینی آن با یک روز

اسلامی با شکست مواجه شده است. تلاش های اخیر جنبش ملی - اسلامی برای آفریدن یک روز ملی زنان نیز راه به جایی نبرده است. جنبش آزادی زن در ایران در کنار و در همبستگی با جنبش بین المللی حقوق زن در جهان ۸ مارس را گرامی میدارد. ۸ مارس اکنون به یک روز مهم و شناخته شده برای مردم ایران بدل شده است. رژیم اسلامی از مدتی قبل به استقبال آن میروند. در سال های گذشته در بسیاری از شهرها نیروهای سرکوب تمام قوای خود را برای ممانعت از برگزاری این روز بکار گرفته اند.

علیرغم سرکوب دائم جنبش حقوق زن و فعالین این جنبش، مقاومت زنان بشکلی گسترده ادامه دارد، تا حدی که رژیم اسلامی بناچار اعلام کرده است که هیچکس حق دخالت در زندگی خصوصی مردم را ندارد. این یک عقب نشینی بزرگ است. رژیم اسلامی دریافته است که از پس زنان و جنبش آزادی زن بر نیاید. بناچار هر از چند وقتی یک تعرض خشن علیه زنان سازمان می دهد، پس از مدتی عقب می نشیند و دوباره زور خود را امتحان میکند. این عقب نشینی اخیر رژیم بعلاوه مبارزات گسترده دانشجویی و اعتراضات معلمان موقعیت مناسبی را برای تجمعات ۸ مارس فراهم آورده است. از این شرایط باید بهره جوئیم و تجمعات خود را برا ۸ مارس سازمان دهیم.

باید بگوئیم ۸ مارس را به روز اعتراض به سرکوب و خفقان و برای آزادی و برابری بدل کنیم. جنبش حقوق زن باید در پیشاپیش جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی مردم ایران قرار گیرد. این جنبش قابلیت های بسیاری برای تحقق این امر داراست. جنبش آزادی زن تنها در یک جامعه آزاد و برابر به خواست های خود دست میابد، جامعه ای آزاد از سرکوب، اختناق و تبعیض اقتصادی، سیاسی و اجتماعی. در ۸ مارس صفوف خود را هر چه محکمتر، عزم خود را راسخ تر و تلاش خود را صد چندان کنیم. ■

زنده باد برابری! زنده باد آزادی!

سکولاریسم

مقوله سکولاریسم یا لائیسیته به یکی از بحث برانگیزترین مسائل در میان جنبش‌های اجتماعی و نیروهای اپوزیسیون رژیم اسلامی بدل شده است. سی سال حکومت خشن مذهبی این خواست را به یکی از مهمترین خواست‌های جامعه بدل کرده است. از نظر سازمان آزادی زن، سکولاریسم یک شرط لازم آزادی و برابری زنان است. عروج و قدرت‌گیری جنبش‌های مذهبی در جهان در

دو سه دهه اخیر، سکولاریسم را در سطح جهان در مرکز مباحث اجتماعی - سیاسی قرار داده است.

نشریه آزادی زن سوالاتی در این رابطه تهیه کرده که به تعدادی از فعالین حقوق زن، و به سازمان‌های اپوزیسیون ارسال داشته است. در هر شماره یک یا دو مصاحبه ای را که بدست مان رسیده است، منتشر می‌کنیم. از فعالینی که علاقمندند در این بحث شرکت کنند دعوت می‌کنیم که با ما تماس بگیرند.

قاطعانه دین و دولت است که در قانون اساسی نیز تصریح و تثبیت شده باشد. حال آنکه سکولاریسم جدایی دین و دولت هست، ولی آنچه در قانون اساسی یک کشور سکولار تصریح می‌شود، در بهترین حالت «بی طرفی» و «خنثی» بودن دولت در برابر ادیان مختلف است. به این معنی، دولت‌های فرانسه، ترکیه و آمریکا جزو دولت‌های لائیک به شمار می‌روند، حال آنکه برای مثال دولت آلمان لائیک نیست اگرچه سکولار است. در اصل چهار قانون اساسی آلمان بر بی طرفی دولت در برابر ادیان و اینکه با همه آنها به یک شکل رفتار می‌کند، تأکید شده است. اینکه آیا در عمل چنین هست یا نه، موضوع دیگری است. به همین دلیل نیز در سال‌های اخیر، بحث روسری در دو کشور فرانسه و آلمان به دو شکل و با دو محتوای مختلف مطرح شد. و یا برای مثال در برخی از دعاوی مطرح شده در دادگاه‌های آمریکا در این زمینه می‌توان به استدلال‌هایی برخورد که حتی در آنها این سؤال مطرح شده که مثلاً وقتی کلیسایی آتش گرفت، آیا مسئولان آتش‌نشانی مجاز هستند از امکانات دولتی برای خاموش کردن آتش استفاده کنند یا نه!! البته این یک نمونه مبالغه آمیز در این زمینه است. ولی در نمونه دیگر می‌بینیم که کلیسا و کشیش‌ها در رادیو و تلویزیون آلمان جای پای محکمی دارند و متقابلاً دولت آلمان نیز از امکانات مادی و انسانی کلیسا و انجمن‌های

ای می خواهند دین را از دست دولت در بیاورند و به عرصه خصوصی ببرند و عده ای دیگر می خواهند دولت را از چنگال دین بیرون بیاورند. تعریف شما از سکولاریسم چیست؟

الهه بقراط: من تعریف بخصوصی از سکولاریسم ندارم چرا که سکولاریسم یا عرف‌گرایی یک تعریف بیشتر ندارد که زاییده عصر روشنگری و خرد در اروپاست. سکولاریسم یعنی تفسیر دنیوی جهان که منجر به جدایی دین و دولت می‌شود و این میوه ای است که بر اثر تجربه بسیار تلخ تسلط کلیسا و کشیش‌های مسیحی بر ساختار سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپایی در قرون وسطا به بار نشسته است. اینکه حتی برخی تلاش می‌کنند بین سکولاریسم و اسلام نیز پیوندی بیابند و یا به وجود آورند و دیده شده که از «سکولاریسم اسلامی» نیز سخن رفته است، یا برای تحریف و خالی کردن مفاهیم از معنای واقعی خود است و یا نشانگر بی‌اطلاعی کسانی که سرشت عرف، سیاست و دین را نمی‌شناسند اگرچه ممکن است ادعای هر سه را داشته باشند.

گفتگوی شهلا نوری با الهه بقراط

پرسش: چه فرقی بین لائیسیته و سکولاریسم هست؟

الهه بقراط: لائیسیته به معنای اعلام دین به مثابه یک امر کاملاً خصوصی و جدایی

۱۳۵۹ به عضویت سازمان اکثریت در آمدم و تا سال ۱۳۶۹ یعنی یک سال و نیم پس از خروج از ایران کادر این سازمان بودم. پس از شرکت در نخستین کنگره این سازمان که در آلمان برگزار شد و خواندن متنی خطاب به این کنگره از این سازمان فاصله گرفتم. این متن ماهها بعد به اصرار من در نشریه اکثریت منتشر شد و کیهان هوایی نیز با حذف بخش‌هایی که به جمهوری اسلامی مربوط می‌شد، آن را چاپ کرد. از آن زمان من عضو و یا همکار هیچ سازمان و گروهی نیستم، اگرچه وجود احزاب و گروه‌ها را برای تحقق دموکراسی در هر جامعه‌ای، از جمله ایران، لازم و ضروری می‌شمارم و تا کنون نیز با وجود اینکه احزاب و گروه‌های سیاسی موجود ایرانی را هنوز دارای بلوغ دموکراتیک نمی‌دانم، و نسبت به رشد فکری برخی از آنها که به جنبش دموکراسی‌خواهی در ایران ضربه زده و می‌زنند، بدبین هستم، لیکن همواره از موجودیت و حق فعالیت آنها دفاع کرده‌ام چرا که نهایتاً بار مسئولیت کژی‌های فکری و عملی خود را، خود این احزاب بر عهده دارند، حتی اگر امروز حاضر نباشند این مسئولیت را بپذیرند.

سکولاریسم شرط لازم دموکراسی هست ولی کافی نیست

پرسش: مدتی است که بحث سکولاریسم در داخل و خارج ایران گسترش پیدا کرده. عده



الهه بقراط از زبان خودش

من در ۲۱ آذر ۱۳۳۶ در ساری به دنیا آمدم و در همانجا به دبستان و دبیرستان رفتم. در دانشکده حقوق دانشگاه ملی ایران تحصیل کردم. سالها بعد، پس از خروج از ایران در دانشکده علوم سیاسی دانشگاه برلین با تمرکز بر روی ژورنالیسم سیاسی درس خواندم. از ۱۳۷۵ فعالیت روزنامه‌نگاری خود را با کیهان لندن آغاز کردم که خیلی زود به شکل مستمر و هفتگی در آمد. در زمینه زنان و ادبیات دو مجموعه داستان «زنانه»، «یادداشت‌های مجنون‌خانه» و «نامها و نگاهها» را با یاری نشر باران در سوئد و نشر نیما در آلمان منتشر کردم. از سال ۲۰۰۱ تنظیم و اداره سایت «الف ب/ ژورنالیست» را در اینترنت شروع نمودم که از همان ماه‌های نخست در ایران فیلتر شد.

از نظر سیاسی، از همان جوانی شیفته عدالت‌جویی «چپ» شدم و از میان نیروهای چپ ایران، به سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران علاقمند بودم. در سال

نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!

مصاحبه با الهه بقراط

مذهبی برای پوشش برخی مشکلات اجتماعی از جمله مراقبت از سالمندان، کودکان، درمان بیماران معناد و غیره استفاده می‌کند. یعنی یک بده و بستان متقابل که طرفین، و هم چنین جامعه نیز ظاهرا از آن سود می‌برند. لیکن کلیسا هیچ نقشی در سیاست و یا اقتصاد داخلی و خارجی بازی نمی‌کند. در سالهای اخیر گروهی از روشنفکران آلمان خواستار گنجانده شدن لائیکتیه در قانون اساسی آلمان شده اند زیرا معتقدند دولت آلمان در عمل در برابر ادیان مختلف چندان هم «بی طرف» و «خنثی» نیست.

پرسش: آیا از نظر شما حکومت پهلوی در عرصه اقتصاد و سیاست یک حکومت سکولار بود؟ اگر بود، پس وجود آخوند درباری (کارکرد دین در سیاست) را چگونه می‌شود توجیه کرد؟

الهه بقراط: شاید بهتر باشد پرسش را این طور مطرح کرد که آیا ساختار سیاسی در دوران حکومت پهلوی سکولار بود؟ ببینید، شما می‌توانید یک شاه، یک نخست وزیر و یا یک رییس جمهوری مؤمن و حتی مذهبی در یک حکومت سکولار و یا لائیک باشید. این دو هیچ ربطی به یکدیگر ندارند. یعنی عقاید شخصی یک سیاستمدار و یک فرد دولتی، در یک ساختار سکولار و یا لائیک، درست بر عکس یک حکومت دینی و یا ایدئولوژیک، هیچ ربطی به هم ندارد. در حکومت دینی و یا ایدئولوژیک، مثلا کمونیست و فاشیست، نمی‌توان به یک مسئولیت بالای کشوری رسید بدون آنکه اعتقاد و ایمان فرد به ایدئولوژی حاکم اثبات شده و مورد تأیید قرار نگرفته باشد. یک کمونیست همان گونه نمی

تواند در یک حکومت دینی و یا فاشیستی به ریاست جمهوری و نخست وزیری و وزارت و حتی مسئولیت های بسیار پایین تر برسد که یک فاشیست و یا یک فرد مذهبی در یک حکومت کمونیستی برایش چنین امکانی وجود ندارد. حال آنکه هم حکومت فاشیستی و هم کمونیستی ظاهرا سکولار و لائیک هستند! آنها یک عقیده سیاسی و زمینی را به جای یک عقیده مذهبی و آسمانی نشانده اند. به این ترتیب در نهایت، از نظر ساختار سیاسی غیردمکراتیک، چندان تفاوتی بین اینها وجود ندارد جز اینکه حکومت مذهبی به دلیل تکیه بر عوام و عقاید آسمانی، دامنه سرکوب و محدودیت ها و جداسازی هایش، از جمله در مورد زنان، بسی بیشتر است.

شاهان حکومت پهلوی و اغلب زمامدارانش افرادی مذهبی بودند. در این هیچ اشکالی وجود ندارد چرا که امری خصوصی و مربوط به خودشان است. ساختار سیاسی ایران اما پس از انقلاب مشروطه، نه به دلیل قاجار و پهلوی، بلکه به دلیل شرایط اجتماعی و یک جامعه به شدت مذهبی و عقب افتاده و نقش بارز روحانیان، نتوانست مذهب را در جای خود قرار دهد و برای نقشی که روحانیون در عرصه های مختلف زندگی، از جمله تربیت و آموزش و پرورش و بهداشت و قضا داشتند، جایی خارج از ساختار سیاسی در نظر بگیرد. اصل «دین رسمی» در قانون اساسی مشروطه که تا انقلاب اسلامی اعتبار داشت، جایی برای اینکه این قانون را سکولار و یا «خنثی» و «بی طرف» در برابر ادیان ارزیابی

کنیم نمی‌گذارد. به همین دلیل نیز جای پای مذهب و قوانین شریعت پیش از انقلاب اسلامی، بیش از همه در قانون مدنی و عمدتا در مورد حقوق زنان شامل ازدواج، طلاق، حضانت و ارث، و هم چنین در حقوق جزای ایران دیده می‌شود.

در پذیرش سکولاریسم، حکومت و ساختار سیاسی یک طرف قضیه هستند، طرف دیگر قضیه اما جامعه است. انقلاب مشروطه در یک جامعه به شدت عقب مانده، مذهبی و خرافاتی روی داد. صد سال گذشته ایران در نبرد بین «مشروطه» و «مشروع» گذشته است. در واقع با انقلاب اسلامی «مشروع» انتقام تلخ و خشن خود را از «مشروطه» گرفت. مشروع ای که از پشتیبانی وسیع توده مردم و به اصطلاح روشنفکران نیز برخوردار شد و اینک سی سال است تلاش می‌کند تا به ایران و جهان بیاوراند که راهی جز استمرار «انقلاب اسلامی»



و «جمهوری اسلامی» وجود ندارد. می‌خواهند این را که «مشروع» سرنوشت محتوم ایران است در ذهن جامعه و جهان حک کنند، و البته شاهد هستیم که موفق نمی‌شوند. هیچ حکومتی به اندازه این حکومت مشروع نمی‌توانست تکلیف مردم ایران را با نقش دین در دولت تعیین کند و ملتی را به بازبینی در تاریخ خود و تلاش برای یافتن هویت واقعی خویش

وا دارد.

پرسش: اگر بپذیریم که فرهنگ امری ایستا و ثابت نیست، آیا می‌شود متوقع بود که فرهنگ یک جامعه بعد از تغییر یک حکومت در یک زمان کوتاه دچار تغییری بنیادی شود؟

الهه بقراط: قطعاً هر حکومتی، بر فرهنگ جامعه تأثیرات معین می‌گذارد. نگاه کنید به کشورهای بلوک شرق. در هفتاد سال اتحاد شوروی و چهل سال نظام به اصطلاح سوسیالیستی کشورهای اروپای شرقی و هم چنین سالهای اندکی که نازیسم و فاشیسم بر کشورهای اروپایی حاکم بودند، جامعه دستخوش تغییرات فرهنگی شد. تغییراتی که با تغییر حکومت خیلی زود توانستند متحول شدند. در ایران نیز، سی سال بمباران تبلیغاتی، از در و دیوار شهرها گرفته تا رادیو و تلویزیون و مطبوعات، قطعاً در گسترش خرافات و مهمتر از آن، در پرورش یک فرهنگ و ساختار روانی دوگانه و شیذوفرن که بر اساس دروغ، دورویی، خدعه، حيله و فرصت طلبی برای تنازع بقا شکل گرفته، نقش تعیین کننده داشته است. ولی فراموش نکنیم که برای پیشبرد تغییرات مثبت در یک جامعه همواره این همه جمعیت نیست که نقش پویا و فعال بازی می‌کند. در تمام جوامع باز همواره یک گروه کوچک نقش محرکه را بر عهده گرفته اند. به همین دلیل قدرت سیاسی نقش اساسی در تغییر و تحولات اجتماعی بازی می‌کند. من معتقدم هرگاه قدرت سیاسی در دست گروه های دمکرات و مدافع حقوق بشر قرار بگیرد، آنگاه آنها خواهند توانست با امکانات گسترده ای که به دست می‌آورند، خیلی سریع در جهت بازسازی یک جامعه از همه نظر تخریب شده، و با فراخوان

آپارتاید جنسی باید ملغی گردد!

مصاحبه با الهه بقراط

و همکاری همه مردم، حرکت کنند. نمونه در این زمینه بسیار است و شاید آلمان را پس از جنگ جهانی دوم بتوان نمونه بارز چنین تغییر و تحولی دانست. افغانستان و عراق را هم با احتیاط می توان به عنوان مثال مطرح کرد، لیکن اقدامات تروریستی و مقاومت تفکرهای واپسمانده که حیات خود را با دمکراسی و مدرنیته در خطر می بینند، و در عمق جامعه نیز ریشه دارند، آنها را در یک مقوله دیگر قرار می دهد. ایرانیان مشکلات خود را دارند، ولی فکر می کنم مشکلاتی را که عراق و افغانستان در زمینه مذهب دارند، خود جمهوری اسلامی با تجربه بی نظیری که سی سال است هر روز در اختیار مردم می نهد، حل کرده باشد!

پرسش: در آلمان و فرانسه ما شاهد سکولار شدن بخشی از مسیحیان و یا یهودیانی بودیم که در یک روند تاریخی و اجتماعی رفته رفته به یک فرهنگ سیاسی تبدیل شد. از نظر شما تصور یک مسلمان (عبدالکریم سروش و اکبر گنجی) سکولار و لائیک در جامعه ایران امکان پذیر است؟

الهه بقراط: ببینید، همانطور که در بالا هم اشاره کردم، سکولار بودن یا شدن فرد، جامعه و حکومت موضوعاتی جدا از هم هستند. یک فرد می تواند مذهب خود را داشته باشد، روزی پنج بار هم نماز بخواند، و یا حتی روشنتر بگویم، شخص می تواند یک روحانی باشد ولی به سکولاریسم، یعنی جدایی دین و دولت، اعتقاد داشته باشد. چنین روحانیانی در زمان مشروطه، در دوران پهلوی و هم چنین امروز کم نیستند. کم نیستند

روحانیانی که اساسا با دخالت دین در دولت مخالف هستند.

در عین حال، سکولار بودن یک حکومت یا ساختار سیاسی به این معنی نیست که جامعه هم الزاما سکولار است. افراد دیگری داشته باشند. افراد جامعه ممکن است اعتقاد داشته باشند دین باید در دولت دخالت کند و یا نقشی حتی اندک داشته باشد. آنها ممکن است به مسجد و کلیسا و کنیسه بروند. لیکن این مسجد و کلیسا و کنیسه و

عشرت شایق نماینده مجلس اسلامی که گفته است: "اگر ده زن خیابانی اعدام شوند، دیگر زن خیابانی نخواهیم داشت".

الهه بقراط: بی تردید تضمین حقوقی و قانونی نقش کلیدی در مبارزه و موهمه تبعیض ها، از جمله تبعیض جنسی، بازی می کند. تا این حقوق در قانون تثبیت و تضمین نشده باشند، مرجعی در جامعه وجود نخواهد داشت که در صورت زیر پا نهادن آنها، بتوان به آن مراجعه کرد. اما وجود قوانین

تا جمهوری اسلامی هست، امکان ندارد آپارتاید (جداسازی) جنسی در ایران وجود نداشته باشد. زن ستیزی و نادیده گرفتن حقوق زنان، بخشی بنیادی در حقوق و شریعت اسلامی است.

ضد تبعیض به خودی خود به این معنی نیست که این تبعیض ها و فرهنگی که آن را می پروراند، از جامعه رخت بر می بندد. ما امروز در جوامع آزاد و کشورهای اروپایی شاهد قتل هایی هستیم که توسط مردان خانواده صورت می گیرد تا از به اصطلاح «ناموس» خود دفاع کنند. اینها در جوامعی زندگی می کنند که هیچ گونه تبعیض قانونی در مورد حقوق زنان وجود ندارد. و یا در اشتغال و پرداخت دستمزد، در خود این جوامع، تبعیض ناگفته و ثبت نشده وجود دارد و در یک شرایط برابر، گاه ترجیح داده می شود که مرد را استخدام کنند و یا برای همان شغل، زن را با حقوقی کمتر به خدمت بگیرند.

من فکر می کنم بسیاری از موضوعاتی که امروز مورد بحث قرار می گیرند و به مشکل تبدیل شده اند، ناشی از وجود جمهوری اسلامی است. در یک نظام غیردینی، که ممکن است دمکرات هم نباشد، بسیاری از این مسائل وجود

روحانیانش نقشی در ساختار سیاسی و قوانین بازی نمی کنند. در طول سالها، حتی کلیسای کاتولیک نیز دریافت با توجه به تغییر و تحولات اجتماعی بهتر است در بعضی موارد، مانند سقط جنین، و یا همجنس گرایی، سکوت کند و گرنه در برابر جامعه و آن تحولاتی قرار خواهد گرفت که به هر حال به اقتضای زمان و تغییر مناسبات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، حاصل می شوند و نمی توان آنها را نادیده گرفت. «طلاق» به همین شکل خود را به کلیسای کاتولیک تحمیل کرد و امروز به گونه ای است که گویی جزو بدیهی ترین موضوعات اجتماعی و حقوق فردی است!

پرسش: با توجه به نقش مذهب در سی سال گذشته در تمامی نهادهای دولتی و غیر دولتی جامعه ایران، آیا می شود با تغییر قوانین موجود در جامعه، تعصبات مردسالارانه و ضد زن را در میان خود زنان از بین ببرد؟ از جمله مرتجعین زن ستیزی چون

نخواهند داشت. و در یک نظام غیردینی و دمکرات قطعا بسیاری از مسائل سریع تر از آنچه امروز تصور می شود، حل خواهند شد. همان گونه که در پرسش قبلی هم اشاره کردم، مهم این است که امکانات عظیمی که یک دولت می تواند در دست داشته باشد، همگی در جهت روشنگری، بازسازی و بازپروری جامعه ای قرار گیرد که به دلیل یک حکومت مذهبی و ایدئولوژیک به شدت آسیب دیده و تا پای ویرانی پیش رفته است. هر کاری ابزار خود را می خواهد، دمکراسی نیز ابزار بازپروری و بازسازی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. این همان ابزاری است که مشروعه کنونی با تمام نیرو ایستاده است تا هرگز به دست مردم ایران نیفتد.

پرسش: خشونت سازمان یافته دولتی را علیه زنان می توان با تغییر حکومت امکان پذیر کرد. اما آیا هیچ تضمینی برای حذف انواع خشونتها در عرصه خصوصی هم وجود دارد؟

الهه بقراط: خیر، همانگونه که در بالا گفتم فرهنگ خشونت پرور و متعصب در جوامع باز اروپایی هم دست به قتل می زند. کم نیستند مردان اروپایی که همواره در یک جامعه باز و دمکرات زندگی کرده اند و با این همه علیه زن و فرزند خود دست به خشونت می زنند. و یا مادرانی که فرزندانشان جز خشونت از آنها چیز دیگری ندیده اند. از همین رو «خانه های زنان» و با نهادهایی برای سرپرستی کودکانی که قربانی خشونت خانوادگی می شوند، وجود دارد. خیالتان را راحت کنم، جامعه آرمانی وجود ندارد و هرگز وجود نخواهد داشت. سرشت انسان متناقض است و

رهائی زن رهائی جامعه است!

مصاحبه با الهه بقراط

حتی با در اختیار داشتن امکانات فرهنگی و اقتصادی نیز همواره انسان هایی وجود خواهند داشت که دست به خشونت بزنند. مهم این است که فردی که قربانی خشونت می شود، این امکان را داشته باشد که بتواند از حقوق خود دفاع کند، مرجعی وجود داشته باشد که بتواند به آن دادخواهی کند. و البته برای استفاده از چنین امکاناتی، خود قربانی نیز باید فرهنگ دفاع از حقوق خود را یافته باشد. چنین چیزی در یک جامعه بسته که توسط یک حکومت بسته و سرکوبگر اداره می شود، قطعاً روی نمی دهد.

پرسش: آیا شکستن آپارتاید جنسی موجود را ضرورتی برای دستیابی به سکولاریسم ارزیابی می کنید؟ نقش زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب تا چه حد در پیشبرد این امر مهم است؟

الهه بقراط: تا جمهوری اسلامی هست، امکان ندارد آپارتاید (جداسازی) جنسی در ایران وجود نداشته باشد.

زن ستیزی و نادیده گرفتن حقوق زنان، بخشی بنیادی در حقوق و شریعت اسلامی است. اگر جمهوری اسلامی این مرز تبعیض را پشت سر بنهد، آنگاه دیگر آنچه امروز هست، نخواهد بود. روحانیان اسلامی نیز مانند روحانیان دیگر ادیان هیچ چاره ای ندارند جز اینکه در مورد تبعیضات مصرحه و آن بخش از دستورات و احکام مذهبی خود که ضد حقوق بشر هستند، سکوت کنند و آنها را به تاریخی بسپارند که آن تبعیضات و اجرای آن احکام، در جامعه پذیرفته بود و اعتراضی را بر نمی انگیخت.

من باور ندارم که زنان ایران در این نظام بتوانند به حقوق خود دست یابند، اگر چه ممکن است بتوانند تغییرات اندکی، از جمله در مورد حق طلاق یا حضانت و یا ارث به وجود بیاورند، که آن هم اغلب به طور رسمی صورت قانونی نمی یابد، بلکه به دلیل شرایط اجتماعی، به حکومت تحمیل می شود تا چشم خود را بر آن ببندد. مانند شرط و شروطی که در سالهای اخیر زن به هنگام ازدواج و البته با توافق مرد به

هنگام عقد ازدواج قید می کند. به این ترتیب اگر قرار باشد تحولی در ایران روی دهد، به نظر من، یک مجموعه خواهد بود که سکولاریسم و حقوق زنان و دیگر موارد محو تبعیض های مختلف را در بر خواهد داشت. در غیر این صورت، خود جمهوری اسلامی نه در جهت تحقق حقوق زنان اقدام خواهد کرد و نه برای سکولار شدن خود گامی بر خواهد داشت! در جهت همان تحول است که ایرانیان، اعم از زن و مرد، چه در داخل و چه در خارج کشور، نقش اساسی بازی می کنند و فکر می کنم بدون آنان و فعالیت هایشان، چنین بحث هایی که شما در نخستین پرسش مطرح کردید، اساساً در نمی گرفت.

پرسش: آیا دستیابی به سکولاریسم و لائیسیتته را برای برقراری آزادی و برابری زن و مرد کافی ارزیابی می کنید؟

الهه بقراط: در بالا به تفاوت بین سکولاریسم و لائیسیتته اشاره کردم به این معنی که

سکولاریسم و لائیسیتته ممکن است الزاماً با یکدیگر همراه نباشند. جدایی دین از دولت اما یکی از شرایط لازم برای تحقق دموکراسی و تأمین برابری حقوقی زن و مرد است، اما به هیچ وجه کافی نیست. بسیاری از دیکتاتوری های کلاسیک، و هم چنین دیکتاتوری های ایدئولوژیک، حکومت های سکولار بوده اند. برای رسیدن ایرانیان به یک جامعه عرفی که در آن دین و دولت در جایگاه واقعی خود قرار گرفته باشند، راه طولانی و دشواری وجود دارد که فکر می کنم جامعه ایران هم آمادگی پیمودن آن را دارد و هم عطش و شوق آن را. این مهم است که بدانیم با پشت سر نهادن جمهوری اسلامی، در هر زمانی که روی دهد، ما هنوز به جایی نرسیده ایم، بلکه تنها یک مانع، یک مانع بزرگ را، پشت سر نهاده ایم. ■



سیاسی و اجتماعی و فرهنگی برابر باشند. بشریت متمدن نباید اجازه دهد که در هیچ گوشه ای از جهان چنین رفتار شنیعی با انسانها شود.

از اینرو ما خواهان :

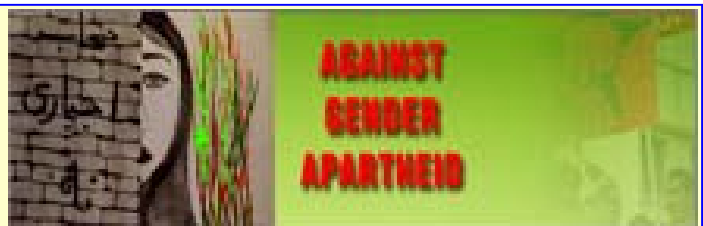
۱. محکومیت سیستم آپارتاید جنسی توسط کلیه مجامع بین المللی و حقوق بشری هستیم.

۲. محکومیت رژیم اسلامی ایران بمثابه سمبل سیستم آپارتاید جنسی در جهان هستیم

۳. اخراج دولتهای مبتنی بر آپارتاید جنسی از کلیه مجامع بین المللی هستیم.

به سایت ما با نام و آدرس زیر مراجعه کنید و برای ما نامه بنویسید:

www.againstgenderapartheid.com/



علیه آپارتاید جنسی

آپارتاید جنسی، تقسیم و جدایی انسانها بر مبنای جنسیت، یکی از اشکال زشت و کریه زن ستیزی و تبعیض علیه انسانها در برخی از جوامع کنونی و جمهوری اسلامی بطور مشخص است. آپارتاید جنسی سیستمی است که دولتها و جریانات اسلام سیاسی به زور بر مردم تحمیل کرده اند. آپارتاید جنسی سیاستی شنیع و همطراز آپارتاید نژادی است و همچون آپارتاید نژادی باید از جامعه بشری طرد شود. زن و مرد باید در تمامی شئون زندگی اقتصادی،

نه به مجازات اعدام = نه به جمهوری اسلامی!

اقدامی علیه قتل‌های ناموسی در ترکیه ابتکار فعالان حقوق زنان

به ابتکار فعالان حقوق زنان و یک کانال تلویزیونی در ترکیه، سریالی به نام "گلدنیا" علیه قتل ناموسی و خشونت مردان نسبت به زنان نمایش داده می‌شود که در پایان هر بخش، شماره تلفن اضطراری برای زنان روی صفحه تلویزیون ظاهر می‌گردد. گلدنیا زنی بود که پنج سال پیش مورد تجاوز قرار گرفته و فرزندی به دنیا آورد. اقوام وی، برای پاک کردن این "لکه ننگ" از دامان خانواده، او را به طرز فجیعی به قتل رساندند.

"عمر آتای"، کارگردان این پروژه اجتماعی (سریال)، می‌گوید که این ابتکار از حمایت کارگردانان و هنرپیشگان ترکیه برخوردار است. به گزارش برنامه فرهنگی کانال ۱ تلویزیونی آلمان، همچنین ۱۳ تن از زنان خواننده، از جمله "شوال سام" با چاپ یک سی‌دی به نام "گلدنیا، ترانه‌های زنان برای زنان"، به این ابتکار پیوسته‌اند. این سی‌دی هم اکنون جزو پرفروش‌ترین سی‌دی‌های ترکیه شده است.

قابل ذکر است که تنها در سال ۲۰۰۷ میلادی، ۱۶۷ زن در ترکیه قربانی خشونت مردان خود شده و جان سپرده‌اند. ■
نقل از شهزاد نیوز

خطر سنگسار اشرف کلهر

بنا به گزارش‌های منتشر شده، رژیم جمهوری اسلامی قصد دارد مجدداً سنگسار اشرف کلهر را در دستور کار خود قرار دهد.



اشرف کلهر زن ۳۷ ساله ای است که مدت ۷ سال گذشته را در زندان اوین بسر برده است. وی اوضاع روحی خطرناکی دارد. دستگاه قضایی جمهوری اسلامی در تابستان گذشته بر اثر فشارهای بین‌المللی،

اجرای حکم سنگسار اشرف را به تعویق انداخت، اما وکیل وی از قصد رژیم برای اجرای حکم خبر داده است. هم اکنون دست کم هشت زن در زندان‌های جمهوری اسلامی در انتظار اجرای حکم سنگسار بسر می‌برند. اجرای احکام غیرانسانی سنگسار، جز با هدف ایجاد رعب و وحشت در میان مردم دلیل دیگری نمی‌تواند داشته باشد. سالیانه که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها زنان را از پایه ای‌ترین حقوق انسانی خود محروم کرده بلکه با اجرای احکام مجازات سنگسار و اعدام دست به مرعوب کردن مضاعف زنان در جامعه زده است. قانون قضائی چنین رژیمی بجز قصاص و دست و پا بریدن و چشم درآوردن و سنگسار و اعدام نیست. این رژیم عصاره جنایت در تمام اعصار است. جنایت شناسنامه این رژیم و ضامن بقای آنست. باید جلوی اقدامات وحشیانه رژیم اسلامی را گرفت. ■

نقل از سایت میدان زنان

افزایش قتل زنان در ایران به دست محارم (قتل‌های ناموسی)

طبق آمار ارائه شده در سال گذشته ۶۳ درصد زنان کشته شده در ایران به دست محارمان (پدر، برادر و شوهر) کشته شدند. رییس پلیس آگاهی ایران پیش از این گفته بود که ۵۰ درصد زنان به قتل رسیده توسط محارم خودشان کشته شده‌اند. نسریں ستوده، وکیل و فعال حقوق زنان در ایران، کاستی‌های حقوقی را از دلایل افزایش قتل زنان به دست محارم خود می‌داند، "وقتی قانون می‌گوید اگر پدری فرزند خود را بکشد، یا این که همسر به دلیل سوءظن زنش را به قتل برساند، مجازات سنگین نخواهد شد، مسلم است که آمار قتل زنان به دست محارم افزایش خواهد یافت." بر اساس ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی، پدر و جد پدری که فرزند خود را بکشند، قصاص نمی‌شوند. ماده ۶۳۰ این قانون هم می‌گوید هر گاه مردی همسر خود را در حال زنا با مردی دیگر مشاهده کند، می‌تواند در همان حال زن را به قتل برساند.
نقل از بی بی سی فارسی

سخنی با خوانندگان نشریه سازمان آزادی زن

شما می‌توانید با مراجعه به سایت سازمان آزادی زن، از فعالیتهای این سازمان آگاهی پیدا کنید. لینکهای سخنرانیها و جلسات پالتاکی ما در این سایت قابل دسترسی است.

در ضمن می‌توانید با مراجعه به لینک نشریه آزادی زن، به نشریه‌های گذشته دسترسی پیدا کنید.

برای تماس با اعضاء شورای مرکزی سازمان آزادی زن به لینک تماس با ما مراجعه کنید.

جهت ایجاد ظرف متحد کننده وسیعترین توده‌های زن و مرد در ایران به سازمان آزادی زن بپیوندید تا با هم علیه بیحقوقی زنان، علیه مردسالاری لجام گسیخته و برای رهایی زنان مبارزه کنیم.

<http://www.azadizan.net/>

<http://www.womensliberation.net/english/>



شما هم در پیشبرد کمپینهای سازمان آزادی زن سهیم باشید و پتیشنهای زیر را امضاء کنید!

کمپین برای آزادی فعالین حقوق زن

http://www.petitiononline.com/mod_perl/signed.cgi?maryam20

علیه لایحه ارتجاعی محروم کردن دختران دانشجویان از زندگی مستقل بپاییزیم!

<http://www.petitiononline.com/nsin2008/>

رهائی زن همین امروز!



کنفرانس بین المللی به مناسبت ۸ مارس ۲۰۰۹

چرا سکولاریسم اساسی است؟

سازمان آزادی زن روز شنبه ۷ مارس یک کنفرانس یک روزه با تم "نقش مخرب مذهب در زندگی و بر حقوق زنان؛ چرا سکولاریسم اساسی است؟" در شهر گوتنبرگ سوئد، سازمان میدهد. در این کنفرانس فعالین و محققین حقوق زن از خاورمیانه و اروپا گرد می آیند تا تاثیر رشد جنبش های مذهبی در دو دهه اخیر بر زندگی زنان را مورد بررسی قرار دهند. مذهب کاتولیک، کلیسای ارتدوکس، مذهب یهود، اسلام و جنبش اسلام سیاسی مورد بررسی قرار می گیرد.

این کنفرانس توسط سازمان های حقوق زن و سکولاریست زیر مورد حمایت قرار گرفته است:

ابتکار فمینیستی اروپا برای یک اروپای آلترناتیو، زنان برای صلح - سوئد، شبکه مردان علیه جنایات ناموسی، مرکز برای تحقیق

سخنرانانی که شرکت شان تایید شده است:

هما ارجمند هماهنگ کننده کمپین علیه دادگاه های شریعه

هوگو استرلا سکولاریست، مسئول بخش اروپائی CFI

سواد بابا ایسا عضو کمیته هماهنگ کننده ابتکار فمینیستی اروپا- فرانسه/الجزایر

ایما باریوسا حزب کمونیست رفرم، ایتالیا

جولی بیندل ژورنالیست و فعال حقوق زن و مبارزه علیه فحشاء- انگلستان

مالینه پوسک فعال سکولاریست و مدافع حقوق زن- دانمارک

سوسن تامپیه ری نویسنده، مدافع حقوق زن، آرژانتین

فرانسس رادای مدیر انجمن برای آزادی علم، مذهب و فرهنگ، استاد دانشگاه اورشلیم، اسرائیل

سابینه سامون رئیس سازمان همبستگی زنان، فرانسه

پث سیه سیلسکی فعال سکولاریست و مدافع حقوق زن- رومانی

نینا سانکاری معاون سازمان سکولار راسیونالیست، عضو کمیته

هماهنگ کننده ابتکار فمینیستی- لهستان

لیزا سروش فعال حقوق زن، افغانستان

کارولین فورس سازمان اندیشه آزاد، نویسنده و ژورنالیست سکولار،

مدافع حقوق زن- فرانسه

پروین کابلی مسئول سازمان میخک سفید

آذر ماجدی رئیس سازمان آزادی زن

آزا کامل محمد عبدال میکید مصر

کریم نوری شبکه مردان علیه خشونت ناموسی- سوئد

لیا نادارایا رئیس کلوب فمینیست، گرجستان

لیلا نافع همارنه مدیر پروژه در سازمان زنان عرب، اردن

خانم لطیف مدیر مرکز زنان آسودا، سلیمانیه، کردستان عراق

لیلیان هالس-فرنج رئیس ابتکار فمینیستی اروپا- فرانسه

بورینا یوهانسون عضو کمیته هماهنگ کننده ابتکار فمینیستی اروپا

بلغارستان/سوئد
ماریا هاگبری هماهنگ کننده کمپین بین المللی علیه خشونت ناموسی - سوئد

نوال یازجی محقق و فعال حقوق زن، سوریه
مریم کوشا گرداننده و مدراتور- سردبیر نشریه انگلیسی زبان سازمان آزادی زن
بوتینا کاتان خوری فیلم ساز از فلسطین که برای نمایش یکی از فیلم هایش به کنفرانس میاید.

از علاقمندان شرکت در کنفرانس خواهشمندیم که با ما تماس بگیرند.

www.azadizan.net majedi.azar@gmail.com
wmedusahuset@gmail.com

آذر ماجدی +44(0)7886973423
شهلا نوری +46(0)737262622

زمان: ۷ مارس ۲۰۰۹ ساعت ۱۲.۳۰ تا ۱۸.۳۰

نمایش فیلم Maria's Grotto ۱۹.۳۰ تا ۲۰.۳۰

ورودی: همه روز ۱۰۰ کرون فقط فیلم ۵۰ کرون

محل: Folkets Hus Järntorget

Gothenburg



Brottsofferfonden



نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند.
مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

رئیس سازمان آزادی زن آذر ماجدی: azarmajedi@yahoo.com

هیئت تحریریه نشریه سازمان آزادی زن: azadizan@gmail.com

آدرس سایت: www.azadizan.net یا www.azadizan.com

www.azadizan.com